

انگاره‌های مؤثر در شکل‌گیری رفتار سیاست خارجی ایران نسبت به حکومت منطقه اقلیم کردستان عراق (۲۰۰۳-۲۰۰۹)

سینا عمادی^۱، رضا سیمبر^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

چکیده

سؤال اصلی این پژوهش بررسی مهم‌ترین انگاره‌های هویتی مؤثر بر شکل‌گیری رفتار سیاست خارجی ایران در قبال حکومت منطقه‌ای کردستان عراق هست که در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با رویکرد توصیفی و تحلیلی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بعد داخلی، تأثیر کردهای ایرانی (به‌ویژه اهل سنت) در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تبیین شده است. انگاره‌های سیاسی به‌ویژه تلقی متفاوت نظام جمهوری اسلامی با تلقی برخی گروه‌های کرد ایرانی اپوزیسیون مورد حمایت حکومت اقلیم کردستان عراق، به حاکم شدن فضای امنیتی بر سیاست خارجی ایران نسبت به حکومت اقلیم کردستان عراق منجر گردیده است. در زمینه اقتصادی، روابط طرفین با افزایش رشد مبادلات مواجه بوده که سهم مناطق کردنشین داخلی ایران اندک قلمداد می‌شود. گسترش همکاری‌های فرهنگی دوجانبه نیز به جهت تمایزات هویتی محقق نشده است. در بعد هنجارهای منطقه‌ای، اولویت نخست سیاست خارجی ایران بعد از ۲۰۰۳ تشکیل دولت مرکزی شیعی عراق تعریف گردید که بر روابط جمهوری اسلامی با حکومت اقلیم کردستان عراق تأثیرگذار بوده است. در بعد بین‌المللی نیز جمهوری اسلامی با شناسایی امریکا و اسرائیل به‌عنوان (دگرهای هویتی) در صدد کاهش نفوذ و استقرار آنان در خاک اقلیم کردستان عراق تمرکز داشته است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، انگاره، هویت، دگر هویتی، دولت شیعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)

Emad.emaddi@gmail.com

^۲ استاد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۱- مقدمه

در منطقه خاورمیانه هویت بازیگران عمدتاً ریشه در انگاره‌های قومی و مذهبی دارد که انعکاس آن در سیاست خارجی کنشگران نمایان است. این بازیگران آن‌چنان‌که رئالیست‌ها تصور می‌کنند فقط دولت‌ها نیستند بلکه بازیگران خردتر همچون گروه‌های اسلامی یا قومی نیز به موازات دولت‌ها در عرصه منطقه‌ای خاورمیانه کنشگری دارند. به‌عنوان نمونه گروه‌های اسلامی در منطقه که معتقد به مرزهای امت اسلامی بوده، مرزهای موجود دولتی را تصنعی و محصول استعمار تلقی می‌کنند. گروه‌های قومیتی نیز جدایی‌طلبی خود را نتیجه اقدامات استعماری یا ظلم دولت‌ها تصور می‌کنند و می‌کوشند از طریق تقویت اتصالات هویتی فراملی زمینه اتحاد قومی و احتمالاً استقلال را فراهم آورند. منطقه اقلیم کردستان عراق به‌عنوان یکی از این بازیگران طی سه دهه گذشته با ترکیب هنجارهای قومی و مدرن به‌ویژه بعد از حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام الگوی جدیدی را در منطقه بنیان نهاده که مورد توجه کردهای منطقه و واکنش دولت‌های هم‌جوار قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی با جمعیت چندمیلیونی کردهای شیعه و سنی از این تغییر بزرگ در عراق مستثنا نبود و سیاست خارجی خود را نسبت به عراق و اقلیم مورد بازتعریف مجدد قرار داد. این بازنگری محصول هنجارهای بود که ریشه در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشت و از آن‌ها نشئت می‌گرفت. شناخت این هنجارها در سه سطح و نحوه تاثیرگذاری بر سیاست خارجی ایران نسبت به حکومت منطقه‌ای اقلیم بعد از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ هدف اصلی این مقاله است.

سؤال اصلی پژوهش بررسی مهم‌ترین انگاره‌های هویتی که بر شکل‌گیری رفتار سیاست خارجی ایران در قبال حکومت منطقه‌ای کردستان عراق تأثیرگذار بوده‌اند است. در پاسخ فرضی؛ انگاره‌های سطح داخلی عمدتاً مبتنی بر پیشگیری از تسری تحولات کردستان عراق (روند تجزیه‌طلبی) بر برخی مناطق کردنشین ایران، پرهیز از امنیتی شدن مطالبات قومی کرد کشور و مقابله با گروهک‌های متخاصم کرد ایرانی تمرکز داشته است. در سطح منطقه‌ای هویت شیعی جمهوری اسلامی با اولویت دادن به دولت شیعی عراق، با هرگونه تجزیه‌طلبی قومی و مذهبی در عراق و اقلیم منطقه کردستان مخالفت و مقابله کرده است. در بعد انگاره‌های بین‌المللی، جمهوری اسلامی آمریکا و اسرائیل را به‌عنوان «دگرهای هویتی» در منطقه اقلیم کردستان عراق شناسایی و درصدد اجتناب از نفوذ و استقرار آن‌ها برآمده است.

این مقاله درصدد است با رویکرد دوجهی توصیفی-تحلیلی و علی‌شاخصه‌های کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اقلیم کردستان را تحلیل و هنجارهای که در شکل‌گیری این رفتارها مؤثر بوده‌اند را واکاوی و ارزیابی نماید.

پژوهش‌های قبلی به‌ویژه منابع فارسی عمدتاً از زاویه رئالیستی به کردستان عراق پرداخته و متمرکز بر بررسی موضوعات بخشی همچون فدرالیسم یا همه‌پرسی استقلال بوده است. نوآوری این پژوهش بررسی سیاست خارجی ایران نسبت به اقلیم کردستان عراق از زاویه سازه‌انگاری متمرکز بر سه سطح بوده و علاوه بر تحلیل فرایند سیاست خارجی، انگاره‌های را که در شکل‌گیری این سیاست خارجی نقش داشته‌اند را ریشه‌یابی نموده است. سیاست خارجی

در این پژوهش به معنای عام تعریف‌شده و شامل تمامی شاخص‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی که توسط نظام جمهوری اسلامی اعمال گردیده است.

۲- چارچوب نظری: سازه‌انگاری

انگاره یا همان هنجار شاکله اصلی سازه‌انگاری بوده و به معنای برداشت‌ها، تصورات و ایده‌های که در تعامل متقابل شکل گرفته و موجب بروز رفتار بازیگران شده تعریف می‌شود. این انگاره‌ها در سازه‌انگاری در موضوعات روابط بین‌الملل به سه شاخه تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱- سازه‌انگاری نظام گرا؛ ۲- سازه‌انگاری تک سطحی؛ ۳- سازه‌انگاری چند سطحی. در سازه‌انگاری نظام گرا هنجارهای سطح بین‌المللی، در سازه‌انگاری تک سطحی هنجارهای داخلی و در سازه‌انگاری چند سطحی هنجارهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارزیابی می‌شوند. مقاله حاضر نیز از رویکرد سوم بهره گرفته شده است.

از نگاه سازه‌انگاران کنشگر سیاست خارجی، یک کنشگر اجتماعی و ایفاکننده نقش است و نه یک کنشگر اقتصادی. از این منظر کنشگران اجتماعی بر اساس هنجارها و قواعدی که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی و فرهنگی است تصمیم‌گیری می‌کنند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۸۳). بر اساس این نگرش یا همان سیاست مبتنی بر هنجار، انتظارات بالقوه متعددی در مورد رفتار مناسب کشور در یک وضعیت خاص وجود دارد. لذا کشور از بین چندین انتظار بالقوه موجود، طبق انتظاری رفتار می‌کند که از هنجاری نشئت می‌گیرد که از قدرت بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر در درجه اول، تنها هنجارهایی که به اندازه کافی قوی باشند بر سیاست خارجی کشور تأثیر می‌گذارند. قدرت هنجار به دو عامل بستگی دارد اول، «میزان اشتراک یا تنوع» یعنی میزانی که هنجار در یک نظام اجتماعی به طور گسترده بین بازیگران مشترک و رایج است. دوم «میزان صراحت و وضوح» یا درجه‌ای که یک هنجار، رفتار مجاز و غیرمجاز را به طور دقیق تعریف و تعیین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۲۵).

در نتیجه اگر هنجارها در دو سطح فراملی و ملی از اشتراک و صراحت کافی برخوردار باشند انتخاب رفتار سیاست خارجی به آسانی صورت می‌گیرد. همچنین اگر اشتراک و وضوح هنجار در یک سطح به اندازه کافی باشد ولی در سطح دیگر ابهام داشته باشد رفتار مناسب بر پایه هنجار در سطح نخست انتخاب می‌شود. ولی اگر هیچ‌کدام از هنجارها در سطح بین‌المللی و ملی از اشتراک و صراحت برخوردار نباشند یا رفتارهای متناقضی را ایجاد کنند، انتخاب گزینه رفتاری مناسب با مشکل مواجه می‌شود (Rittberger, ۲۰۰۲: ۴۴). به عنوان نمونه رفتار جمهوری اسلامی در قبال دولت شیعی عراق بعد از ۲۰۰۳ مبتنی بر یک هنجار با «میزان صراحت و وضوح زیاد» است زیرا اسلام شیعی یکی از قدرتمندترین و مسلط‌ترین هنجارهای جمهوری اسلامی در سیاست خارجی بوده است، اما این رفتار از هنجار با «اشتراک زیاد» نشئت نگرفته زیرا این هنجار مختص جمهوری اسلامی است. نمونه دیگر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در حمایت از اقلیم کردستان در مقابل حمله داعش از هنجار با «میزان اشتراک زیاد» و «میزان صراحت و وضوح زیاد» نشئت گرفته است. «اشتراک زیاد» بدین جهت که اکثر بازیگران بین‌المللی بر مقابله با داعش تأکید داشتند و «صراحت و وضوح زیاد» از آن جهت که مقابله با داعش سیاست اصولی ایران در عراق و سوریه بود.

هویت

از نظر سازه‌انگاران هویت‌ها در سیاست داخلی و بین‌المللی بسیار مهم هستند. به بیان هوف آن‌ها دو کارکرد ضروری در جامعه دارند: «آن‌ها به دیگران می‌گویند شما چه کسی هستید و به شما می‌گویند دیگران کی هستند» (Gulseven, ۲۰۰۰: ۳۵).

ونت نیز هویت را ریشه در فهم کنشگر از خود می‌داند؛ اما معنای این فهم اغلب وابسته به این است که آیا سایر کنشگران نیز کنشگر را به همان شکل بازنمایی می‌کنند یا نه؟ و این نشان‌دهنده بعد بیناذهنی هویت است. به این معنا که در ساخت هویت دو انگاره وارد می‌شود: انگاره‌های خود و انگاره‌های دیگری (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). در نظام معانی و ساختارهای بیناذهنی، هویت‌های مختلفی شکل می‌گیرد که کنش‌های متفاوتی را نیز برمی‌انگیزد. در نتیجه از یک طرف امکان هویت‌های متکثر و متعدد برای کشورها وجود دارد و از سوی دیگر، می‌توان شرایط هنجاری و ساختاری مشخص کرد که در آن انتظار ایجاد هویت‌های متفاوت وجود دارد. در میان هویت‌های متکثر شناخت هویت مسلط اولویت بیشتری دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

یکی دیگر از مباحث مهم و مرتبط با مسئله هویت از نظر سازه‌انگاران، سیال بودن و به‌عبارت‌دیگر متحول بودن هویت‌ها است. هویت می‌تواند تحت شرایط مادی سیال باشد. کار مهم سازه‌انگاران این است که می‌توانند این تغییر و سیالیت را توضیح دهند. چرا که به نظر آن‌ها هویت امری است اجتماعی. به این معنا که در ساختن خود، دیگری هم ساخته می‌شود. در نگاه آن‌ها برداشت کنشگران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر است و به تبع شکل‌گیری یک هویت جدید منافی جدید هم برای یک دولت مطرح می‌شود (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۵). در برخی موارد شکل‌گیری هویت جدید در واکنش به تغییر هویت دیگری انجام می‌شود همانند آنچه بعد از تحولات ۲۰۰۳ در عراق و اقلیم کردستان رخ داد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز در واکنش به مستولی شدن هنجارهای جدید در عراق و اقلیم کردستان موردبازنگری و بازتعریف قرار گرفت. تأثیرگذاری این هنجارها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ادامه بررسی خواهد شد.

۳- هنجارهای داخلی

در ارزیابی تأثیر هنجارهای داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران در قبال حکومت منطقه‌ای کردستان عراق، مهم‌ترین شاخص بررسی تناسب و رابطه بین هویت ملی با هویت قومی (کردی) است که در قالب سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی قابل ارزیابی است. سیاست‌های قومی هر دولت و حکومت نشان می‌دهد حکومت مرکزی چه رویکرد و بینشی نسبت به قومیت‌های داخلی دارد؟ آیا هنجارهای دولت مرکزی همان هنجارهای قومیت‌ها است؟ آیا هنجارهای قومی متأثر از قومیت‌های هم‌مرز در کشورهای مجاور است؟ تأثیر رابطه هویت ملی و قومی بر سیاست خارجی آنجایی اهمیت دارد که قومیتی در مرزهای آن کشور سکونت داشته باشند که بخشی از همان اقوام در کشور یا کشورهای همسایه ساکن باشند مانند کردها (به‌ویژه اهل سنت) در جمهوری اسلامی که در مرزهای غربی ایران مجاور با کشور عراق و منطقه اقلیم کردستان واقع شده‌اند و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری سیاست خارجی کشور در سه حوزه هنجارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ارزیابی می‌شوند.

۳-۱ هنجارهای سیاسی

شاخصه مهم در هنجارهای سیاسی به نگرش و برداشت کردها به نظام سیاسی مطلوب و تأثیراتی که تشکیل حکومت فدرال منطقه اقلیم کردستان عراق پس از ۲۰۰۳ بر دیدگاه کردهای کشور داشته است برمی‌گردد. دو دیدگاه کلی در این زمینه مطرح است: اول: نظام سیاسی متمرکز؛ دوم: نظام سیاسی غیرمتمرکز (فدرال).

اول: نظام سیاسی متمرکز

در این دیدگاه مطالبات قومی در چارچوب نظام سیاسی کشور و بر اساس قانون اساسی پیگیری می‌شود. نخبگان و فعالان سیاسی کرد در درون حاکمیت اعتقاد دارند که دولت می‌تواند با تغییرات در نوع نگاه به مسئله اقوام و به‌خصوص کردها جو بی‌اعتمادی را از بین برده و کردها را به‌عنوان تهدید محسوب نکند. دولت می‌تواند با تغییر در نگرش به قومیت‌ها تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل کند (ساجدی و امجدیان، ۱۳۹۵: ۶۶).

در چارچوب این دیدگاه، دولت‌های جمهوری اسلامی سیاست‌های مختلفی را نسبت به مناطق کردنشین کشور دنبال کرده‌اند که در برخی ادوار موجب مشارکت و استقبال بیشتر کردها از این سیاست‌ها شده است. در این زمینه می‌توان به اجرای قانونی شوراها، افزایش نثریات و تشکل‌های کردی و افزایش تعداد دانشجویان کرد در دانشگاه‌ها در دولت اصلاحات، توجه به مناطق محروم و اجرای طرح‌های همچون هدفمندسازی یارانه‌ها، سهام عدالت و مسکن مهر در دولت‌های نهم و دهم و تدوین منشور حقوق شهروندی، انتصاب تعدادی از اقوام در پست‌های مدیریتی و تدریس زبان کردی در دانشگاه‌ها در دولت‌های یازدهم و دوازدهم اشاره کرد که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در راستای بهبود و توجه به حقوق اقوام ازجمله کردها بوده است.

سیاست‌های قومی دولت‌های مختلف در جهت تحقق مطالبات کردهای کشور نقش مهمی در همگرایی کردها با نظام سیاسی داشته و دارد. انعکاس این همگرایی در سیاست خارجی به معنای کاهش تأثیرپذیری از الگوی کردی منطقه اقلیم کردستان خواهد بود و حتی در بسیاری از موارد می‌تواند روند تأثیرگذاری را معکوس نماید.

دوم: ایده فدرالیسم و کردستان خودمختار

انگاره فدرالیسم و کردستان خودمختار عمدتاً از جانب احزاب و گروه‌های کرد مخالف نظام جمهوری اسلامی مانند حزب دموکرات کردستان ایران، کومله، پژاک و برخی گروهک‌های دیگر جانب‌داری می‌شود. هدف اصلی آن‌ها مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام سیاسی در مناطق کردنشین در قالب سیستم فدرالیسم و فراتر از آن یک نظام سیاسی قومی کردی خودمختار است. این دیدگاه بر این است که به دلیل چالش‌های قومی مهر و موم‌های گذشته یک نوع بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به کردها در حاکمیت به وجود آمده که تبعات آن در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مذهبی مشهود و ملموس است. بنابراین معتقدند که این بی‌اعتمادی ریشه در نگاه انحصارطلبانه حاکمیت داشته و بر این باورند که تنها راه تأمین حقوق اقوام، تغییرات بنیادین در حاکمیت از راه‌های خشونت‌آمیز و نظامی است و نمی‌توان به رفورم‌های حاکمیت دل‌خوش کرد (ساجدی و امجدیان، ۱۳۹۵: ۶۶).

انگاره خودمختاری و فدرالیسم یکی از تهدیدهای بوده که همواره هویت‌های مسلط در دولت‌های مرکزی ایران، ترکیه، عراق و سوریه را نگران و به چالش واداشته است و در مقاطع زمانی متناوب، سیاست‌های مختلفی را در این زمینه اتخاذ کرده‌اند. از نگاه دولت ایران و سایر دولت‌های منطقه، فدرالی شدن مناطق کردی به‌منزله تجزیه‌طلبی، استقلال‌طلبی و تشکیل کردستان بزرگ تلقی شده و همواره با آن مقابله کرده‌اند. این احساس تهدید موجب امنیتی شدن موضوع کردها در سیاست داخلی و خارجی شده است. حوادث مهر و موم‌های اولیه انقلاب اسلامی در برخی

مناطق کردنشین، درگیری احزاب و گروه‌های کرد مخالف نظام جمهوری اسلامی مستقر در خاک اقلیم کردستان با نیروهای نظامی و امنیتی در مرزهای غربی کشور در مهر و موم‌های اخیر و حمایت اقلیم کردستان از استقرار این احزاب و گروه‌ها در داخل خاک اقلیم، موجب امنیتی شدن مسئله کردها در سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی شده است.

۳-۲ هنجارهای اقتصادی

بخشی از سیاست‌های قومی در جهت تحقق خواسته‌ها و مطالبات اقتصادی کردهای کشور است که انعکاس آن در سیاست خارجی می‌تواند افزایش یا کاهش مناسبات اقتصادی با منطقه اقلیم کردستان عراق را در پی داشته باشد. هنجارهای اقتصادی به وضعیت اقتصادی و توسعه مناطق کردی کشور و نگرش و برداشت کردها به این شرایط اشاره دارد تا جایی که در بسیاری از موارد این برداشت از شرایط اقتصادی بر دیدگاه‌های سیاسی کردها نیز تأثیر گذارده و باعث بدبینی نسبت به دولت مرکزی شده است.

در این زمینه بیشتر محققان به‌رغم دیدگاه متفاوت در زمینه قوم و یا گروه‌های زبانی و مذهبی، در مورد وجود نابرابری در شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی و قوم نشین کشور اتفاق نظر دارند و معتقدند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌رغم همه اقدامات دولت، بازهم این نابرابری‌های اقتصادی به قوت خویش باقی مانده است. با این توصیف به دلیل فقر اقتصادی حاکم بر جامعه مناطق کردنشین و نرخ بالای بیکاری، درآمد عمده ساکنان شهرها و روستاها برای گذران امورات زندگی از طریق مرزها و قاچاق کالا است. آمار و یافته‌ها در بخش اقتصاد بیانگر این نکته است که این مناطق سهم ناچیزی در اقتصاد ملی داشته‌اند (انتصار، ۱۳۸۰: ۴۰).

تشکیل حکومت اقلیم کردستان عراق به‌ویژه بهبود و افزایش رشد اقتصادی آن پس از ۲۰۰۳، موجب تأثیرگذاری آن منطقه بر کردهای ایران شده است. درحالی‌که در گذشته وضعیت اقتصادی کردستان ایران به مراتب بهتر از کردستان عراق بود اما در مهر و موم‌های اخیر کردستان عراق برنامه‌ها و اقدامات گسترده‌ای را برای رشد و توسعه و عمرانی و آبادانی در پیش گرفته است. نواحی کردنشین ایران در قیاس با سایر نقاط کشور و میانگین سطح توسعه ملی جزء مناطق محروم و کمتر توسعه یافته محسوب می‌شوند (پیشگاهی فرد و نصراللهی زاده، ۱۳۹۱: ۲۰۰). اگر توسعه نیافتگی داخلی در کنار مشاهده توسعه و پیشرفت نواحی کردنشین آن سوی مرز (کردستان عراق) قرار گیرد می‌تواند به تشدید مباحث قومی، تقویت احساس تبعیض و طرح کردستان عراق به‌عنوان الگو بینجامد.

نکته‌ای که در تأثیر هنجارهای اقتصادی بر سیاست خارجی وجود دارد این است که توسعه روابط اقتصادی ایران و منطقه اقلیم کردستان در مهر و موم‌های اخیر رو به رشد بوده، اما سهم مناطق مرزی و کردنشین ایران از این تبادلات اندک بوده است. بر اساس آمارهای اعلام شده، ارزش مبادلات اقتصادی ایران با اقلیم کردستان عراق از حدود نیم میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ به حدود ۳/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ رسیده است و ایران بعد از ترکیه دومین شریک تجاری اقلیم محسوب می‌شود (سایت فراتاب، ۱۳۹۸). اما سهم مناطق کردنشین ایران از جمله استان کردستان از این میزان تبادلات نسبت به سایر استان‌ها اندک بوده است (سایت دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶). یکی از مهم‌ترین اقدامات در بهبود وضعیت اقتصادی کردهای کشور در مهر و موم‌های اخیر توسعه بازارچه‌های مرزی بوده که در سیاست خارجی تلاش شده با تعامل با حکومت اقلیم کردستان عراق این بازارچه‌ها رونق پیدا کرده و به رشد و ترقی مناطق مرزی کمک کند.

۳-۳ هنجارهای فرهنگی و اجتماعی

هنجارهای فرهنگی و اجتماعی نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت و ساخته‌شدن هویت‌ها دارند. در این زمینه یکی از مطالبات کردی که همواره خواست کرده‌های ایران بوده، داشتن فرهنگ و رسوم کردی است که بخشی از آن با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی هویت ملی جمهوری اسلامی همچون ریشه‌های تاریخی و نوروز مشترک و برخی نیز خاص هویت قومی کرد است.

در بعد هنجارهای فرهنگی، شرایط داخلی برای کردها در سال‌های اخیر بهبود یافته است. تدریس زبان کردی، توسعه مطبوعات کردی و افزایش دانشجویان کرد و سازمان‌های مردم‌نهاد کردی نمونه‌های از این موارد هستند. باین وجود تشکیل حکومت اقلیم کردستان عراق، مطالبات فرهنگی و اجتماعی کردهای کشورهای هم‌جوار از جمله ایران را برای افزایش اختیارات فرهنگی و اجتماعی قومی افزایش داده است. تعمیق فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، نفوذپذیر شدن فرایندهای اجتماعی و در هم تنیدگی جهانی، گسترش ارزش‌های جهان‌شمول، گسترش فرایندهای ایستگاه‌ها و شبکه‌های تلویزیون و ماهواره‌ای کردی، شکل‌گیری اجتماعات مجازی قومی با درون‌مایه‌های ملیت‌گرایانه و بین‌المللی شدن مسئله کرد نیز به این امر بیشتر دامن زده است (عبداللهی و قادر زاده، ۱۳۸۸: ۱).

عمده اختلاف در هنجارهای فرهنگی به منع صدور انگاره‌ها و هویت برمی‌گردد. کنش هویت مسلط (نظام جمهوری اسلامی) عمدتاً از زاویه مذهب شیعی است در حالی که انگاره‌های کردی قوم - محور است که در مواجهه و تعامل با شرایط جدید اقلیم کردستان عراق بعد از ۲۰۰۳ تشدید شده است. نتایج یک پژوهش جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که در سطح هویتی، در سلسله‌مراتب ترجیحات هویتی کردها در ایران و کردستان عراق، نوعی مشابهت و قرابت مشهود است و نوعی همسویی در این خصوص دیده می‌شود؛ بنابراین، گرایش به هویت‌های محلی و خاص‌گرایانه‌های فرهنگی و اجتماعی در میان کردها در ایران و عراق قوی است و جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و ملی کردها در وهله اول محصور در اجتماع قومی است و در مقابل هویت جمعی عام به‌ویژه در سطح جامعه‌ای آن (هویت ملی) در سلسله‌مراتب ترجیحات هویتی کردها جایگاه نازلی دارد (عبداللهی و قادر زاده، ۱۳۸۸: ۱۱). بنابراین همکاری‌های فرهنگی ایران و اقلیم کردستان عراق همچنان در ابعاد محدود دنبال می‌شود.

۴- هنجارهای منطقه‌ای

تا قبل از فروپاشی صدام، رژیم بعث، تهدید مشترک برای ایران و کردهای عراق بود. هنجارهای مسلط دولت بعث، «عرب‌گرایی» و «سکولاریسم» با اولویت مذهب اهل سنت بود (خیری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۴)؛ که باعث می‌شد هویت قومی کردهای اقلیم و هویت مذهب شیعی - ایرانی جمهوری اسلامی از نگاه بعثی‌ها به‌عنوان دگر هویتی شناخته شوند. این تهدید مشترک باعث نوعی همگرایی ایران و کردهای عراقی به‌ویژه در دوره‌ای از جنگ ۸ ساله ایران و عراق شد و چند عملیات نظامی توسط نیروهای نظامی ایران از شمال عراق علیه رژیم بعث انجام گردید؛ اما با سقوط صدام این تهدید مشترک از بین رفت و دولت شیعی عراق با برخی انگاره‌های مشترک، اولویت اول ایران در سیاست خارجی نسبت به اقلیم کردستان قرار گرفت.

۴-۱ اولویت انکارهای شیعی

حکومت منطقه‌ای اقلیم کردستان عراق در سال‌های اخیر برخی اختیارات فرا فدرالی همچون پرچم اختصاصی، تشکیل نیروهای نظامی و روابط دیپلماتیک و منابع مالی مستقل کسب کرده اما هنوز بخشی از سرزمین عراق محسوب می‌شود. روابط دیپلماتیک و سیاست خارجی سایر بازیگران نسبت به این شرایط دوگانه بوده است برخی اولویت را به روابط با دولت مرکزی بغداد داده، برخی دیگر به حکومت منطقه اقلیم و برخی نیز درصدد برقراری تعادل روابط با طرفین برآمده‌اند. جمهوری اسلامی بعد از ۲۰۰۳ و تشکیل دولت شیعی در بغداد، اولویت روابط را عمدتاً مصروف دولت مرکزی عراق نموده است، الگوی سیاستی که تقریباً معکوس سیاست خارجی ایران در قبل از ۲۰۰۳ بوده است. بعد از حمله آمریکا به عراق، سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به عراق مورد بازبینی و بازتعریف قرار گرفت. عمده‌ترین محور در این زمینه وجود تعاملات جدید با دولت عراق با اکثریت شیعیان در آن کشور بود که مهم‌ترین وجه اشتراکی، وجود فرهنگ شیعی به‌ویژه اماکن مقدسه و حوزه‌های علمیه در عراق بود (برزگر، ۱۳۸۶: ۴۳). با سقوط صدام، هویت شیعی در عراق با حمایت و پشتیبانی ایران، امکان بروز و ظهور جدیدی یافت. عراق به دلایل تاریخی و به‌خصوص مذهبی از اهمیت بالایی برای ایران برخوردار است. ایران ضمن اینکه از روند دولت سازی در عراق حمایت کرد راهبردها و سیاست‌های مختلفی نیز در جهت حفظ یکپارچگی سرزمینی و ممانعت از تجزیه این کشور ارائه کرده است (اسدی و راست‌گو، ۱۳۹۸: ۱۳۲-۱۳۳). در این راستا هدایت روابط با گروه‌های سیاسی طرفدار ایران در عراق بر اساس تثبیت موقعیت و نقش و نفوذ آن‌ها در حاکمیت سیاسی تقویت گردید، زیرا افزایش مشروعیت و قدرت این گروه‌ها در درازمدت منجر به تقویت نفوذ و نقش ایران در چارچوب روابط دولت‌ها در منطقه می‌شد (متقی و سلطانی، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۹).

۴-۲ احیاء و تقویت هویت قومی در اقلیم کردستان (فدرالیسم)

پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ کردستان عراق به‌عنوان پایگاهی از سوی آمریکا برای سرنگونی صدام به کار گرفته شد و کردها به متحدان اطلاعاتی آمریکا در عراق تبدیل شدند. الگوی رفتاری کردها بر همگرایی تاکتیکی با گروه‌های گوناگون به‌منظور دستیابی به اهداف عمده خود یعنی افزایش وسعت ناحیه کردستان و خودگردانی بیشتر بود. کردها در شورای ائتلاف موقت به مدیریت آمریکا صاحب ۵ کرسی شدند و این شورا وعده جبران حقوق کردها و بازگشت مناطق مورد ادعا را به آن‌ها داد و در مذاکره‌های قانون اساسی عراق، درحالی‌که احزاب عراقی دچار گسست و چند پارگی سیاسی شدند احزاب کرد با اتحاد خود، بیش از اعراب در پیشرفت قانونی انتقالی اثرگذار بودند و در روند شکل‌گیری قانون اساسی عراق که این کشور را به‌عنوان دولتی فدرالی تعریف می‌کرد نقش فعال داشتند. قانون فدرال نتیجه مشارکت فعال کردها در شورای حکومتی و دولت انتقالی عراق بود و این قانون سبب مرکزیت کردهای عراق در آن کشور و خاورمیانه شد (فرزین راد و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰۱).

ایران علی‌رغم اینکه با هرگونه استقلال دولت کردی مخالفت بود از رژیم فدرال در عراق حمایت کرد. علاوه بر این ایران تلاش کرد پیمان اتحاد سیاسی بین شیعیان عراق و کردها ایجاد کند. ایران در سال‌های اولیه اشغال عراق، روابط خودش را با اقلیم گسترش و دومین کنسولگری را در اربیل در سال ۲۰۰۵ تأسیس کرد، در شرایطی که پیش‌تر

نیز کنسولگری ایران در سلیمانیه ایجاد شده بود. حکومت اقلیم کردستان نیز دفتر نمایندگی‌اش را در تهران در سال ۲۰۰۷ بازگشایی نمود (۱۴: ۲۱۱۸: Sinkaya).

۴-۳ ظهور داعش تهدید مشترک ایران و اقلیم

با ظهور داعش، فرایند استقلال‌طلبی کردها و انسجام منطقه‌ای آنان افزایش یافت. طی این مدت نیروهای پیشمرگه به انواع سلاح و تجهیزات سبک و سنگین اروپایی و آمریکایی تجهیز شدند. این امر پیشمرگه را از شبه‌نظامیان وفادار حزبی به ارتش کردستان تبدیل کرد، مهم‌تر اینکه، پیشمرگه به‌عنوان یک نیروی ضد تروریستی شمرده شده، بعد بین‌المللی یافت. افزون بر این، داعش در ابعاد دیگر روندهای داخلی و منطقه‌ای را به سود کردها تغییر داد. برای نمونه از آنجاکه داعش تمام کردها را دشمن خود می‌دانست موجب ایجاد تهدید مشترک برای کردها و در نتیجه همگرایی موقت کردها در اتخاذ سیاست مشترک کردی شد و این سیاست در صحنه‌های مختلف جنگ میان داعش و کردها به چشم می‌خورد. دو حزب اصلی کردها در معادلات منطقه‌ای یعنی حزب دموکرات اقلیم کردستان و حزب کارگران کردستان ترکیه به همکاری و کمک هم آمدند. پ.ک.ک برای دفاع از مخمور، سنجار، کرکوک و دیگر مناطق کردستان عراق به کمک حکومت اقلیم کردستان آمد و حکومت اقلیم کردستان نیز بدون اجازه بغداد با اعزام پیشمرگه به کوبانی، همراه با حزب اتحاد دموکراتیک به مبارزه با داعش پرداخت که موجب شد با پشتیبانی هوایی ایالات متحده و نیروهای ائتلاف، کوبانی از دست داعش رهایی یابد. افزون بر این پارلمان حکومت اقلیم کردستان اداره سه استان کوبانی، عفرین و الجزیره را در سوریه که از سوی حزب اتحاد دموکراتیک اداره می‌شدند را به رسمیت شناخت (ترابی و محمدیان، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

در دورانی که حتی شهر اربیل نیز به‌طور جدی مورد تهدید قرار گرفته و تروریست‌های تکفیری برای تسخیر این شهر عزم خود را جزم کرده بودند، ایران کردهای اقلیم را حمایت و نشان داد که این حوزه، یکی از اولویت‌های مهم مصالح ایران است. اگرچه زلمای خلیل زاد سفیر سابق آمریکا در عراق و افغانستان در چندین مصاحبه اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران در رفع تهدید داعش علیه اربیل نقش چندان برجسته‌ای نداشته و هواپیماهای آمریکایی از این شهر مهم کردی دفاع کردند، اما مقامات اقلیم نظر دیگری داشتند و در گفتگوهای مطبوعاتی خود آشکارا اعلام کردند که ایران نخستین کشوری بود که با اقدامات تأثیرگذاری همچون اعزام مشاورین نظامی و ارسال سلاح و تجهیزات به کمک کردهای عراقی شتافت و حتی اخباری نیز در مورد نقش هواپیماهای جنگنده ایران در رفع تهدید مزبور، در رسانه‌های منطقه منتشر شد (دستمالی، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳).

۴-۴ همه‌پرسی و تشدید شکاف تعاملات

بعد از حمله داعش به عراق و شکست ارتش آن کشور در رویارویی با شبه‌نظامیان داعش، نیروهای پیشمرگه کرد در مناطق مورد مناقشه، خلأ امنیتی موجود را پر کرده و مناطق مورد مناقشه را تحت تصرف خود درآوردند که با بهبود وضعیت امنیتی در عراق، قلمرو خواهی اقلیم کردستان تبدیل به یکی از چالش‌های دیگر برای عراق و منطقه شد که اوج آن برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان در سپتامبر ۲۰۱۷ بود (زارعی، ۱۳۹۶: ۹۲۳).

با شکل‌گیری ززمه‌های همه‌پرسی، تهران به حکومت منطقه اقلیم اعتراض کرد و در مقابله با تجزیه‌طلبی‌های اربیل، در کنار بغداد ایستاد. در کنار فشار نظامی، جمهوری اسلامی با بستن مرزهای خود به روی اقلیم (به درخواست دولت مرکزی عراق) و قطع پالایش نفت‌های ارسالی از اقلیم کردستان، شریان اقتصادی موردنیاز برای ادامه روند

جدایی طلبی کردی را تنگ‌تر کرد. ایران هم‌زمان تلاش کرد تا با تکیه بر ترکیه، از شمال به اقلیم کردستان فشار بیاورد. دیدار سرلشکر باقری با خلوصی آکار، رئیس ستاد کل ارتش ترکیه اقدامی جهت هماهنگی لازم برای فشار بر اربیل از جبهه شمالی بود. بارزانی برای پیشگیری از تقابل با ایران، تأکید داشت که ایجاد کشور مستقل کردستان باعث دخالت آن در کردستان‌های همسایه نخواهد شد و حتی از میانجیگری میان کردهای ایران و ترکیه با دولت‌های مرکزی خود سخن گفت که هرگز مقبول مسئولین ایرانی واقع نگردید (اسلامی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۷).

برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان یک‌بار دیگر شکاف سیاسی و امنیتی بین ایران و اقلیم کردستان را تشدید و موجب تشکیل ائتلاف منطقه‌ای ایران، ترکیه و عراق در مخالفت با هرگونه جدایی‌طلبی قومی گردید. ائتلاف مذکور این معنا را در برداشت که ترکیه و ایران علی‌رغم داشتن روابط اقتصادی گسترده با اقلیم، هیچ ایده‌ای را فراتر از فدرالیسم موجود در کردستان عراق پذیرا نیستند و از گسترش احتمالی ابعاد و دامنه این استقلال در مناطق کردنشین خود احساس تهدید می‌کنند. برای دولت‌های کنونی ترکیه و ایران هرگونه استقلال‌طلبی کردهای عراق به منزله تهدیدی برای کردهای داخلی تصور می‌شود که ضررهای آن بیشتر از هرگونه منافع اقتصادی با اقلیم محاسبه می‌شود.

۵- انگاره‌های بین‌المللی

هنجارهای بین‌المللی تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران در قبال اقلیم کردستان عراق عمدتاً به نقش و نفوذ کشورهای مخالف ایران در این منطقه اشاره دارد. مهم‌ترین کشور در این زمینه استقرار نیروهای آمریکایی در اقلیم و تأسیس پایگاه‌های نظامی است که یکی از نزدیک‌ترین نقاط به مرزهای ایران می‌باشند. بازیگر دیگر اسرائیل است که اگرچه یک بازیگر منطقه‌ای است اما با توجه به اهداف مشترک با آمریکا در منطقه در این بخش اشاره می‌شود.

۵-۱ آمریکا

کردهای عراق از ابتدای دهه ۱۹۹۰ به تدریج به یک متحد قابل‌اتکا برای آمریکا تبدیل شده‌اند. احزاب کردستان عراق با دور شدن از نگرش‌های چپ و گرایش به‌سوی ارزش‌های غربی توانستند اعتماد آمریکا را جلب کنند. گرایش‌های سکولار کردها و نیز وجود امنیت نسبی در اقلیم کردستان عراق که بخشی از آن به خاطر تجربه حکومت‌داری کردها بوده نیز در جلب اعتماد آمریکا اثرگذار بوده است. از سال ۲۰۱۰ به بعد که اختلافات بین اربیل و بغداد به تدریج اوج گرفت آمریکا همواره از کردهای عراق حمایت کرده است.

ایران و آمریکا تا سال ۲۰۰۳ درباره حمایت از کردهای عراق در مقابل حکومت مرکزی بغداد اشتراک نظر داشتند و هر دو کشور با حمایت‌های خود، سبب تقویت هویت کردی به‌عنوان بازیگری متمایز شدند. اختلاف ایران و آمریکا درباره کردهای عراق بعد از سقوط صدام نمودار گشت زیرا ایران اولویت نخست را به دولت بغداد و آمریکا به خاطر مواجه شدن با ناکامی‌های گسترده در بغداد، به سمت افزایش حمایت از کردها گرایش پیدا کرد. این اولویت‌بندی به معنای نادیده گرفتن طرف دوم نبود بلکه به معنای ارجحیت و قرابت هنجاری بود. شرایط در عراق پس از صدام به‌گونه‌ای پیش رفت که موجب تسلط هنجارهای شیعی در دولت مرکزی عراق گردید. آرمانی که هدف آمریکایی‌ها از حمله به عراق نبود ولی قرابت هویتی ایران و عراق را فراهم آورد. در این زمینه سعودالفیصل وزیر امور خارجه وقت عربستان در بیان نگرانی از افزایش نفوذ ایران در عراق، در شورای روابط خارجی آمریکا ابراز داشت: «ما همه

با ایران جنگیدیم که نگذاریم عراق را اشغال کند اما حالا ما همه کشور عراق را بدون دلیل به ایران تقدیم کردیم» (بازتاب، ۱۳۸۴).

اولویت دولت شیعی عراق برای ایران و اقلیم برای آمریکا به معنای نبود اشتراکات در اقلیم نبود بلکه در موضوعاتی خاص این اشتراک نظر به صورت طبیعی وجود داشت، اشتراکات ایران و آمریکا به ویژه در خصوص تهدید مشترک داعش و مخالفت با همه‌پرسی استقلال از این نمونه موارد بودند. به گونه‌ای که حمایت دو طرف از کردها در مقابل داعش به ویژه ارسال تجهیزات نظامی تا حد زیادی نمایانگر ائتلاف طبیعی در برابر تهدید مشترک سلفی بود. سیاست آمریکا مبنی بر عدم حمایت صریح از استقلال کردستان عراق و منوط کردن آن به تحقق شرایط لازم نیز مطلوب مواضع ایران بود؛ زیرا سیاست آمریکا نه تنها سبب شد که کردهای عراق در پی اعلام یک‌جانبه استقلال نباشند بلکه باعث گردید هزینه‌های ایران در صورت اعلام استقلال یک‌جانبه کردها پایین بیاید (غلامی و کریمی، ۱۳۹۶: ۱۹۴-۱۹۶).

۵-۲ اسرائیل

سرنگونی رژیم صدام در عراق، فرصتی بزرگ برای رژیم صهیونیستی فراهم آورد و یک گام صهیونیسم را به سمت تحقق سیاست خاورمیانه‌ای این رژیم نزدیک کرد. سقوط صدام که یکی از برجسته‌ترین پان عربیستهای جهان عرب بود و به قدرت رسیدن رئیس‌جمهوری کرد آن هم در کشوری که از نمادهای افتخار جهان عرب بوده ضربات بزرگی به ایده‌های پان عربیستی اعراب وارد کرد (روحی، ۱۳۹۳: ۱۲۸-۱۳۳).

تصور اسرائیلی‌ها بر آن بوده و هست که کردها خود را نسبت به عرب‌ها، در چارچوب «دگر هویتی» تعریف می‌کنند و به دنبال پررنگ کردن مرزهای هویتی با عرب‌ها هستند. گرایش‌ها و فرهنگ تقریباً سکولار کردهای عراق به گونه‌ای که تلاش می‌کنند خود را خارج از تقسیم‌بندی‌های شیعه و سنی در عراق معرفی کنند و نیز اجتناب از هرگونه موضع شدید در قبال فلسطین، موجب شده است تا اسرائیلی‌ها هوشمندانه، مواضع هم‌ذات‌پندارانه را در اظهارات خود نسبت به استقلال کردستان عراق به کار برند (احمدی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۶).

اتخاذ این مواضع نه تنها بر حق موجودیت و مشروعیت اسرائیل در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی صحنه می‌گذارد بلکه امید آن‌ها را برای برقراری روابطی دوستانه و نزدیک با کردستان عراق به گونه‌ای که نسبت به مواضع سیاسی همدلانه با تل‌آویو و اقدامات اقتصادی همچون انتقال نفت، اطمینان داشته باشند را افزایش خواهد داد. راهبرد اسرائیل در این زمینه دکترین اتحاد پیرامونی است که از دهه‌ها قبل دنبال می‌شود و به معنای اتحاد با کشورهای غیر عرب پیرامون جهان عرب است. شرایط اقلیم کردستان عراق به ویژه اشتراکاتی همچون نگرش و سابقه منفی نسبت به اعراب تسهیلگر این دکترین خواهد بود (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۳). از منظر ژئوپلیتیک، وجود اقلیم کردستان برای اسرائیل تا حدودی همان اهمیت سوریه را برای جمهوری اسلامی دارد. ایران و اسرائیل تلاش می‌کنند مهار «دیگری» را با نزدیکی به مرزهای جغرافیایی یکدیگر امکان‌پذیر کنند نفوذ ایران در سوریه و لبنان و نفوذ اسرائیل در آذربایجان و اقلیم کردستان عراق و در تازه‌ترین مورد در امارات متحده عربی در این قالب قرار دارند.

اگرچه هنوز روابط منطقه اقلیم کردستان و اسرائیل رسمی نبوده و مقامات کرد نیز وجود چنین رابطه‌ای را انکار کرده‌اند اما بستر اولیه برای فعالیت علنی و غیرعلنی صهیونیست‌ها در اقلیم فراهم است زیرا تعارض هنجاری بین طرفین مشاهده نمی‌شود. چنانکه این وضعیت را می‌توان در مصاحبه رئیس پیشین اقلیم کردستان عراق درک کرد. مسعود بارزانی در بخشی از مصاحبه خود با نسخه عربی زبان روزنامه ایندپیندنت در خصوص برقراری روابط میان

اقلیم کردستان و رژیم صهیونیستی اظهار داشت: «تا زمانی که ما همچنان بخشی از عراق هستیم، اگر اسرائیل سفارت خود در بغداد را افتتاح کند، کنسولگری آن در اربیل نیز افتتاح خواهد شد و ما از آن استقبال خواهیم کرد، با این حال بدون سفارتخانه در بغداد امکان ندارد رابطه‌ای با اسرائیل برقرار شود». رئیس پیشین اقلیم کردستان در این باره افزود: «ما بر این باوریم که رابطه با اسرائیل یک مسئله طبیعی است چراکه تبدیل به یک واقعیت شده و هیچ‌کسی نمی‌تواند آن را در دریا بیندازد؛ بر این باورم که بیشتر کشورهای عربی در حال حاضر دارای روابط با اسرائیل هستند و این یک مسئله طبیعی و بهتر است» (خبرگزاری کردپرس، ۱۳۹۸).

استقرار و نفوذ امریکا و اسرائیل در اقلیم کردستان عراق که از منظر ایران به‌عنوان «دگر هویتی» تلقی می‌شوند هنوز به مرحله بحرانی و مواجهه نظامی کشیده نشده است. در شرایط کنونی این عرصه عمدتاً در خاک سوریه دنبال می‌شود اما با تغییر شرایط، احتمال وقوع این پیشامد در خاک عراق و تا حدی کمتر اقلیم کردستان وجود دارد چنانکه حمله موشکی ایران به پایگاه‌های آمریکایی در داخل خاک عراق و اقلیم کردستان در ۱۳۹۸ نمونه‌ای از این موارد بود.



۶- نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ایران نسبت به حکومت منطقه‌ای اقلیم کردستان عراق بعد از ۲۰۰۳ متأثر از انگاره‌ها در سه شاخص: ۱- نقش کردهای (اهل سنت) داخلی؛ ۲- اولویت نظام سیاسی شیعی عراق؛ ۳- نقش دگرهای هویتی در اقلیم کردستان (امریکا و اسرائیل) بوده است. در بعد داخلی افتراق انگاره‌های جمهوری اسلامی و برخی گروه‌های کرد ایرانی اپوزیسیون موردحمایت حکومت اقلیم کردستان عراق، در برداشت از «نظام سیاسی مطلوب» منجر به واگرایی روابط ایران و اقلیم کردستان گردیده است. رویکرد متخاصمانه احزاب و گروهک‌های کرد ایرانی اپوزیسیون مستقر در خاک کردستان عراق که خواستار نظام سیاسی فدرال و خودمختار در مناطق کردنشین ایران بوده و عملیات‌ها و تحرکات ایذایی و تروریستی را در شهرهای مرزی غرب کشور مجاور با منطقه اقلیم کردستان عراق ترتیب داده‌اند، فضای امنیتی را بر روابط ایران و حکومت اقلیم کردستان عراق حاکم نموده و از راهبردی شدن همکاری‌ها در حوزه سیاسی جلوگیری کرده است. در زمینه اقتصادی روابط طرفین در سال‌های اخیر افزایش یافته و موانع سیاسی و امنیتی عامل بازدارنده گسترش روابط نبوده‌اند هرچند سهم مناطق کردنشین ایران از این مبادلات اقتصادی اندک ارزیابی می‌شود. همکاری‌های فرهنگی نیز مانند انگاره‌های سیاسی طرفین به جهت نگرش عمدتاً «مذهب محور جمهوری اسلامی» و نگرش «قوم- محور» اقلیم کردستان در حد نازلی دنبال شده است.

در بعد انگاره‌های منطقه‌ای، تشکیل دولت شیعی عراق منجر به گسترش و نزدیکی مناسبات ایران و عراق گردیده و انگاره‌های شیعی دولت در بغداد از اولویت و مراتب بالاتری نسبت به انگاره‌های قومی و سکولار حکومت اقلیم کردستان در سیاست خارجی ایران ارزیابی می‌شود. در زمان برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان عراق این اولویت نمایان و بارزتر گشت و به ائتلاف ایران، عراق و ترکیه علیه حکومت اقلیم انجامید.

در ارزیابی انگاره‌های بین‌المللی، استقرار و نفوذ دگر هویتی‌های جمهوری اسلامی در خاک اقلیم کردستان عراق، کشاکش بالقوه هنجاری ایران با امریکا و اسرائیل در خاک اقلیم کردستان عراق را به دنبال داشته است. عرصه این کشمکش وارد فاز عملیاتی و نظامی همانند آنچه در سوریه صورت گرفت نشده است. علی‌رغم این موارد، طی سال‌های گذشته اشتراکاتی بالقوه و طبیعی نیز بین ایران و امریکا بخصوص در حمایت از کردها در مقابل داعش یا مخالفت با همه‌پرسی دیده می‌شود، اما اشتراکات هنجاری ایران و اسرائیل در خاک اقلیم نادر بوده است. اسرائیل از همه‌پرسی کردستان عراق حمایت کرد و در حمایت از کردها مقابل داعش نیز وارد فاز نظامی نشد.

منابع

- آقایی، سید داود و رسولی، الهام، (۱۳۸۸)، «سازهانگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال اسرائیل»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار.
- احمدی، وحیده، (۱۳۹۶)، «راهبرد اسرائیل در قبال استقلال کردستان عراق»، سایت پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۷ مهر.
- اخوان کاظمی، مسعود و رستمی، فرزاد و شاهملکی، حامد، (۱۳۹۶)، «تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان.
- اسدی، علی‌اکبر و راست‌گو، محمد زمان، (۱۳۹۸)، «آینده نظام سیاسی عراق: پیشران‌ها و سناریوهای پیشرو»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۲، تابستان.
- اسلامی، مسعود و شمس‌آبادی، علی، (۱۳۹۷)، «عوامل ناکامی همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان عراق»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۱۴، شماره ۵۳، پاییز.
- انتصار، نادر، (۱۳۸۰)، ملی‌گرایی قومی کردهای خاورمیانه و معضلات کردهای ترکیه، ترجمه طاهر سرحدی، تهران، نشر: مؤلف.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۶)، «ایران و عراق جدید: چالش‌ها و فرصت‌های پیشرو»، دانشنامه حقوق و سیاست.
- پیشگاهی فرد، زهرا و نصراللهی زاده بهرام، (۱۳۹۱)، «پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در کردستان ایران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۳، شماره ۲، تابستان.
- ترابی، قاسم و محمدیان، علی، (۱۳۹۵)، «تبیین تأثیرات تحولات عراق بر اقلیم کردستان»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۸، شماره ۷۲، زمستان.
- جلال پور، شیوا و لطیفی نیا، علی، (۱۳۹۵)، «کالبدشکافی سیاست خارجی اسرائیل در قبال کردستان عراق»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال ۳، شماره ۱۱، پاییز.
- حاتمی، محمدرضا و سانیار، میکائیل، (۱۳۹۶)، «همه‌پرسی اقلیم کردستان: منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۰، شماره ۷۶، تابستان.
- رسولی ثانی‌آبادی (۱۳۹۱)، «بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازهانگاری»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۵۸، تابستان.
- روحی، نبی‌الله، (۱۳۹۳)، «استراتژی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۷، شماره ۲۴، پاییز.
- زارعی، بهادر، (۱۳۹۶)، «تحلیل چالش‌های اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق و تأثیر آن بر آینده کشور»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، زمستان.

- دست مالچی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، «فصلی نوین در روابط ایران و اقلیم کردستان عراق»، سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۱ دی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۴)، «نظریه و فرا نظریه‌ها در روابط بین‌الملل»، تهران: مخاطب.
- ساجدی، امیر و امجدیان، فرامرز، (۱۳۹۰)، «تأثیر فدرالیسم کردستان عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران»، فصلنامه دانشنامه، شماره ۱۴.
- سیمیر، رضا و مرادی کلارده، سجاد، (۱۳۹۵)، «شکاف‌های اجتماعی عراق و تأثیرهای آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با محور بحران ۲۰۱۴»، دو فصلنامه پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۹)، «نظریه‌های امنیت»، تهران: موسسه فرهنگی و مطالعات ابرار معاصر تهران.
- عبداللهی، محمد و قادر زاده، امید، (۱۳۸۸)، «هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق»، نامه علوم اجتماعی، بهار.
- فرزین راد، رؤیا و فروزان، یونس و عالی شاهی، عبدالرضا و مجیدی نژاد، سید علی، (۱۳۹۸)، «بررسی مسئله همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- قهرمان پور، رحمان، (۱۳۹۳)، «هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه، تهران: روزنه.
- کاویانی‌راد، مراد و بویه، چمران، (۱۳۹۱)، «جایگاه مفهوم فضای حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۸، شماره ۱، بهار.
- کریمی، پریسا و غلامی، طهمورث، (۱۳۹۶)، «سیاست کردی امریکا و روسیه؛ منافع و امنیت ملی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان.
- کریمی، زربان، (۱۳۹۸)، «مصاحبه با وزیر بازرگانی و صنایع اقلیم کردستان عراق»، سایت فراتاب، ۲۶ آذر.
- متقی، ابراهیم و سلطانی، اسماعیل، (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به عراق و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای ایران»، فصلنامه دانش سیاسی و بین‌الملل، سال ۲، شماره ۵، بهار.
- موسوی‌زاده، علیرضا و جاودانی‌مقدم، مهدی، (۱۳۹۴)، «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری ایران»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۱، بهار و تابستان.
- Cerny, J. (۲۰۱۴). "Deconstructing Ethnic Conflict and Sovereignty in Explanatory International Relations: The Case of Iraqi Kurdistan and the PKK", Accessible in <https://ore.exeter.ac.uk/repository/handle/000871/17972>.
- Gailan, M. (۲۰۱۷). "National Security Concerns and Kurdistan Region in a New Middle East: From Rebellion to Statehood:: Accessible in <http://fhs.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2%3A1138564&dswid=-368>.
- Gulseven, E. (۲۰۰۰). "Identity Security and Turkish Foreign Policy in the Post-Cold War Period: Relations with the EU, Greece and the Middle East,, Accessible in <https://bcp.crowdctrl.net/5/c=00080/rand>.

- Mohammadnia, M. (۲۰۱۱).” A Holistic Constructivism Approach to Iran Foreign Policy,, *International Journal of Business and Social Science*, ۲(۴), March.
- Sardarnia, Kh., & Abedi, M. (۲۰۱۶).” Analyzing the Wide Pan-kurdism from the Copenhagen School and Constructivism Perspective.. Accessible in <http://www.ccsenet.org/journal/index.php/jpl/article/view/۶۰۰۶۳>.
- Sinkaya, B. (۲۰۰۸). " The Kurdish Question in Iran and its Effects on Iran-Turkey Relations", *British Journal of Middle Eastern Studies*, ۴۹(۵).

